

## بررسی تضمین در زبان عربی

امیرحسین قلی زاده چوکانلو<sup>۱</sup>

### چکیده

تضمین در علم نحو، که در کتاب‌های ادبیات عربی با عنوان اشراب معنا نیز از آن یاد شده، اعطاء حکم و گاهی معنای فعل به فعلی دیگر است؛ همچنین، این حکم گاهی به جای فعل، بر اسم فعل و همچنین حروف نیز واقع شده است. تضمین، اجرای حکم لفظ دوم بر لفظ اول با قرینه‌ای مقالیه و یا حالیه و یک حکم مّطرد قیاسی است و نظیر آن در آیات و روایات زیادی دیده می‌شود. همچنین با توجه به تعریف مشهور از مجاز و حقیقت در میان ادیبان زبان عربی، چنین به نظر می‌رسد که تضمین، امری میان حقیقت و مجاز اصطلاحی بوده و نمی‌توان آن را در یک مورد منحصر کرد.

واژگان کلیدی: تضمین، اشراب معانی، فعل، تعدی، لزوم.



## ۱. مقدمه

تضمین یا اشراب، یکی از مسائل مورد مناقشه و با اهمیت زبان عربی است که در صده اخیر نیز بسیار مورد توجه واقع شده است. همچنین به علت تاثیر گسترده‌ای که تضمین بر معنا دارد، اثبات، عدم اثبات و شناخت دقیق آن از اهمیت زیادی برخوردار است. اولین شخصی که تضمین را در میان دانشمندان ادبیات عربی به عنوان یک صناعت عربی بیان کرده و به آن پرداخته است، ابن جنی در کتاب الخصائص است. پس از او بررسی‌های متعدد دیگری توسط دانشمندان دیگری مانند زمخشری و دسوقی و سیوطی و... انجام شده است. و از دانشمندان ادیبان معاصر، مقالات و کتب و مطالب متعددی در باب توضیح و بررسی این مطلب منتشر شده است که از جمله آنها می‌توان به «ظاهرة التضمین»، «التضمین النحوی فی القرآن الکریم»، «التضمین فی نحو العربی» و دیگر مقالات اشاره کرد. در این پژوهش تلاش شده است با توجه به اهمیت والای تضمین در مباحث متعدد ادبی و فهم دقیق متون عربی آیات و روایات، بررسی‌ای بر تعریف‌های نحویان متعدد و توضیحات ایشان در رابطه با تضمین صورت گرفته و تعریفی دقیق، مانع و جامع از تضمین ارائه شود، و نیز برخی از مباحث مرتبط با این مسئله که در تشخیص تضمین تاثیر دارد؛ از جمله، سماعی و یا قیاسی بودن آن، ارکان تضمین، مجاز یا حقیقت بودن آن و بررسی چندی از آیات تضمین و بیان دانشمندان ادبیات عربی در رابطه با آن آیات بیان شود.

## ۲. چيستی تضمین

### ۱-۲. تضمین از دیدگاه علم لغت

تضمین مصدر ثلاثی مزید از ریشه ضمن است. در توضیح این ماده در العین چنین آمده است: «وکلُّ شیءٍ أحرَرَ فيه شیءٌ فقد ضُمَّنَهُ» (فراهیدی، بی تا، ص ۵۱) به معنای چیزی را در میان و در حفاظ چیز دیگری قرار دادن. همینطور در قاموس المحيط بیان شده است که به معنای سرپرستی چیز، شامل چیزی بودن و قرار دادن چیزی در ظرفی است. (فیروز آبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۲۱۲)

### ۲-۲. تضمین اصطلاحی

#### ۱-۲-۲. در علم بیان (بلاغت)

تضمین در بلاغت و در علم بدیع، به صنعتی گفته می‌شود که در آن، یک شاعر بیت یا ابیاتی از



شاعری دیگر را با ذکر شاعر آن یا در صورت شهرت و مشخص بودن شاعر بدون ذکر نام او، در شعر خود استفاده کند. تضمین تقریباً به همین معنا در ادبیات فارسی نیز موجود می‌باشد؛ مانند شعر علی‌رضا محمودی زاده:

بفرمود آن سید بحر و بر  
 «که من شهر علمم علیم در است»  
 حدیثی به حجّت به نوع بشر  
 درست این سخن گفت پیغمبر است»

که در این دو بیت، بیتی از سعدی تضمین شده است.

به عنوان نمونه‌ای از تضمین می‌توان به شعر نقل شده از حریری (حریری، ۱۸۷۳ م، ص ۳۶۲) اشاره کرد:

علی آئی سانشده عند بیعی «اضاعونی وای فتی اضاعوا»

که مصرع دوم از شعر شاعری به نام عرجی (ابوهلال عسکری، بی تا، ج ۱، ص ۱۰) گرفته شده که در زندان آن را سروده است.

## ۲-۲-۲. در علم نحو

تضمین در علم نحو توسط نحّات مختلفی بررسی و تعاریف متعددی ارائه شده است، لذا برای بررسی این تعاریف و نتیجه‌گیری از آنها، تعدادی از تعریف‌های دانشمندان ادبیات عربی مشهور به ترتیب تاریخ زیستن آن بیان می‌شود؛

## ۱-۲-۲-۲. ابن جنّی

ابن جنّی در کتاب خصائص خود، تضمین را چنین تعریف می‌کند: «اگر فعلی به معنای فعل دیگر باشد (هم معنا باشند) و یکی از آنها با یک حرف جر و دیگری با حرفی غیر از آن متعدّدی شود، گاهی عرب، فعلی که با یک حرف جر متعدّدی می‌شود را برای اشاره به تضمین و استفاده از معنای آن فعل دیگر، با حرف جر مربوط به دیگری استعمال می‌کند.» (ابن جنّی، بی تا،

ج ۲ ص ۹۲)

۱. «اعلم أن الفعل إذا كان بمعنى فعل آخر، و كان أحدهما يتعدّى بحرف، و الآخر بآخر فإن العرب قد تتسع فتوقع أحد الحرفين موقع صاحبه إيداناً بأن هذا الفعل في معنى ذلك الآخر، فلذلك جيء معه بالحرف المعتاد مع ما هو في معناه».



تضمین در نظر این دانشمند، در میان دو فعل هم‌معنا است که با حروف جر متفاوتی متعدی می‌شوند؛ به این صورت که یک فعل با حرف جرّی که مخصوص فعل دیگر است استفاده می‌شود و معنای آن فعل در این فعل تضمین می‌شود؛  
به عنوان مثال در آیه شریفه ﴿أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثِ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ﴾ (بقره، ۱۸۷) رفث با الی متعدی استفاده شده، درحالی که این فعل با الی متعدی نمی‌شود، بلکه افضاء با الی متعدی می‌شود؛ پس معنای افضاء در رفث تضمین شده است.

### ۲-۲-۲. زمخشری

زمخشری در تعریف چنین بیان کرده است: «معنای یک فعل را در فعل دیگری جا می‌دهند و آن را با در نظر داشتن معنای فعل تضمین شده به جایش استعمال می‌کنند.»<sup>۱</sup> (زمخشری، ۱۴۴۳ق، ج ۲، ص ۴۸۲)

### ۳-۲-۲. ابن هشام

ابن هشام در معنی الادیب چنین بیان می‌کند: «گاهی در لفظی معنای لفظ دیگری را اشراب می‌کنند و معنای آن را به لفظ می‌دهند و این تضمین نام دارد. و فائده آن این است که یک لفظ معنای دو لفظ را برساند.»<sup>۲</sup> (ابن هشام، ۱۴۴۲، ص ۵۷۰)  
او عبارت «سمع الله لمن حمده» را به عنوان مثال بیان می‌کند، که در آن با توجه به لام جازه، معنای استجاب در سمع اشراب شده است؛ که در این صورت معنا چنین خواهد بود که خداوند شنونده و مستجاب کننده حمدکنندگان است.

### ۴-۲-۲. دسوقی

دسوقی در شرحی که بر معنی اللیب دارد بیان می‌کند که: لازمه این تعریف این است که دو لفظ مترادف بتوانند در یکدیگر تضمین شوند. و در ادامه بیان می‌کنند که در این صورت، تضمین فائده‌ای نداشته و صحیح نیست؛ و به عنوان مثال بیان می‌کند که تضمین معنای لطف در «أحسن بی» نادرست است، لذا معتقد است که دو لفظ که در آنها تضمین رخ می‌دهد، باید

۱. «یضمنون الفعل آخر فيجرونه مجراه ويستعملونه استعماله، مع اراده معنی المتضمن.»

۲. «قد يشرّبون لفظاً معنی لفظ فيعطونه حکمه، و یسمی ذلک تضمیناً و فائده: ان توذّ کلمه موذی کلمتین.»



تفاوت معنایی داشته باشند. (عباس حسن، بی تا، ج ۲، ص ۵۲۶)

به نظر می‌رسد که این نظر صحیح نیست؛ چرا که فایده رساندن تضمین، تنها از نظر معنا نیست، بلکه می‌تواند برای انتقال حکم لفظ تضمین شده نیز باشد. همچنین، اگر دو لفظ هم‌معنا باشند، تضمین برای فایده تاکید معنایی نیز ممکن است.

از طرفی، در تعاریف مختلف تضمین، بر مناسبت معنایی تاکید شده است، نه مترادف کامل؛ و ممکن است دو لفظی که از نظر معنایی تناسب دارند، دارای تفاوت‌های ظریفی باشند.

### ۵-۲-۲. زرکشی

جناب زرکشی در البرهان بیان می‌کند: «تضمین عبارت است اعطاء معنای یک لفظ به لفظی دیگر، که گاهی در اسماء است، گاهی در افعال و گاهی در حروف. (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۳۸) مثال او برای مورد اسم، آیه شریفه «حَقِيقٌ عَلٰی اَنْ لَا اَقُوْلَ عَلٰی اللّٰهِ اِلَّا الْحَقُّ» (اعراف، ۱۰۵) است که در حقیقت واژه حریص به قرینه حرف جر علی تضمین شده است.

### ۶-۲-۲. سامرای

ابراهیم سامرای نیز معتقد است: «تضمین این است که ماده‌ای (اعم از اینکه فعل باشد، یا اسم یا ادات) با یک قرینه مقالیه و یا حالیه که به معنای فعل تضمین شده اشاره می‌کند، در محل ماده دیگر استعمال شود.» (ابراهیم سامرای، ۱۹۸۳، ص ۲۱۸)

### ۷-۲-۲. مجمع زبانی قاهره

جناب عباس حسن در نحو وافی، پس از بیان مطالب خود در مبحث تضمین، نظر این مجمع را چنین بیان می‌کند که: «تضمین این است که یک فعل یا آنچه در معنای فعل است، معنای فعلی دیگر یا آنچه در معنای فعل است را بدهد و فعل با شبه‌فعل دوم حکم خود را در تعدیه و لزوم به فعل یا شبه‌فعل اول بدهد. و برای این تعریف سه شرط قائل شده‌اند؛ اینکه بین دو فعل تناسب و قرینه باشد و مناسب با ذوق عربی باشد. (محمد ابراهیم الخلیفه الشوشتری، ۱۴۲۳، ص ۴)

۱. «التضمین أن تستعمل مادةً فعلاً كان أو اسماً أو أداة محلّ غيره مع قرينه القولیه أو الحالیه تشير الی المعنی الذی استعمال



### ۸-۲-۲-۲. جمع بندی تعریف

با توجه به آنچه در تعاریف ارائه شد، مشخص می‌شود که تعریف مجمع زبان قاهره نقل شده توسط عباس حسن، تناسب بیشتری با مثال‌ها دارد؛ چرا که هم به این موضوع توجه شده است که هر اسمی نمی‌تواند متضمن معنای دیگری باشد، بلکه اسامی مشتق هستند که این اتفاق در آنها رخ می‌دهد، و هم از این جهت که بحث تعدی را نیز مطرح می‌کند، که شامل مثال‌هایی شود که تضمین باعث متعدی شدن فعل شده باشد؛ مانند آیه شریفه **﴿وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ﴾** (آل عمران، ۱۱۵). اما مشکل این تعریف اولاً در رابطه با مواردی است که تضمین در حروف رخ داده است، و ثانیاً در رابطه با اینکه در مواردی معنا نیز منتقل می‌شود، لذا به نظر می‌رسد که تعریف زیر می‌تواند تعریف کامل‌تری باشد:

«تضمین، عبارت است از اعطاء حکم و گاهی معنای فعل، شبه‌فعل یا حروف به فعل، شبه‌فعل یا حرفی دیگر، با اجرای حکم لفظ دوم بر لفظ اول با قرینه‌ای مقاله‌ای یا حالیه.

### ۳. تضمین در حروف

یکی دیگر از موارد تضمین، تضمین در حروف است؛ به جهت تکمیل بحث و مشخص شدن چگونگی تضمین در حروف، شایسته است توضیحاتی در این رابطه داده شود.

در رابطه با تضمین در حروف جرّ و به صورتی کلی‌تر، تعدّد معانی، میان دانشمندان بصره و کوفه اختلافی وجود دارد؛ به نظر دانشمندان کوفی در مواضعی که حرف جر در غیر جایی باشد که باید داخل شود و حضورش در آن موضع مطابق با استخدام غالب نباشد، حرف جر در معنای اصلی خود استعمال نشده و معنای دیگری دارد؛ به عنوان مثال در آیه شریفه **﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ﴾** (نساء، ۲) الی به معنای مع می‌باشد. (ابن هشام، ۱۴۴۲، ص ۱۰۵)

اما دانشمندان بصری، بر اتحاد معانی تا حد امکان پافشاری دارند و مواردی را که حرف جر با جمله همخوانی ندارد، توجیه کرده و وجه‌هایی برای آن تعیین می‌کنند؛ برای مثال در توضیح آیه شریفه‌ای که ذکر شد، بیان می‌کنند که الی در واقع این را می‌رساند که معنای «تتضمّوا» یا فعلی شبیه به آن در این عبارت تضمین شده است و یا در آیه شریفه **﴿حَبِّبْنَاَهُمْ بِسِحْرِ﴾** (قمر، ۳۴) بیان می‌کنند که باء از فی نیابت کرده است.



اما در مقام قضاوت میان این دو مکتب باید گفت: نظر اهل بصره منطقی‌تر و به قواعد زبانی نزدیک‌تر است؛ چرا که الفاظ ابتدانا برای معنای واحدی وضع می‌شوند، و گاهی به علت‌هایی مانند شباهت و غیره برای غیر آن معنا استعمال می‌شوند؛ برای مثال به حرف جرّ به این علت جرّ گفته شده است که معنای فعل را به سوی مجرور خود می‌کشد. و نیز در برخی موارد، استعمال حروف جر در غیر موضعش در موارد نادر اتفاق افتاده و استعمال رایج در میان عرب نیست، که خود نشانه این است که این استعمال با دلیل و مقصود خاصی صورت پذیرفته است، لذا می‌توان بیان کرد که نظر بصریون در این مورد، نسبت به نظر کوفیون صحیح‌تر است؛ چنانچه اگر در برخی مثال‌ها و توجیهاات کوفیون و بصریون مراجعه شود، این امر واضح می‌باشد.

#### ۴. ماهیت تضمین

پیش از بررسی ماهیت تضمین و پاسخ به این سؤال اساسی که آیا تضمین قیاسی است یا سماعی؟ نیاز است که چیستی قیاس و ملاک‌های آن تا حدی بیان شود.

#### ۱.۴. چیستی قیاس

قیاس عبارت است از بیان علت برای پدیده‌های زبانی‌ای که وجود دارد؛ (محمد ابراهیم الخلیفه الشوشتری، ۱۴۲۳، ص ۴) چه آن عبارت به صورت بسیار نادر در زبان استعمال شده، یا استعمال زیادی از آن در مثال‌ها وجود داشته باشد. اما اگر استعمالی به اصطلاح دانشمندان ادبیات مّطّرد باشد، جواز استعمال آن برای افراد صادر می‌شود؛ (محمد ابراهیم الخلیفه الشوشتری، ۱۴۲۳، ص ۴) برای مثال، گاهی مفعول به بر فعل خود مقدم می‌شود، این پدیده‌ای است که در زبان عربی مّطّرد است؛ به این معنا که بسیار اتفاق می‌افتد، و در قیاس و تعلیل آن بیان می‌شود که چون متفاهم است، اگر به معنا آسیبی نرسد، تقدیم آن اشکالی نداشته و استعمالش برای اهل زبان و غیر آنها مجاز است. اما در مواردی نیز استعمال به اندازه‌ای کم و نادر است که در بین اهل زبان یک یا دو مثال بیشتر وجود ندارد و دانشمندان ادبیات عربی برای آنها قیاس‌ها و توضیحاتی بیان کرده‌اند، باین حال استعمال آن برای اهل زبان ممکن است؛ مانند: ورد الف و لام بر سر فعل در شعر؛ «و ما انت الحکم الترضی حکومت».



#### ۲.۴. تضمین قیاسی و مطرد

همانطور که مشاهده شد، دانشمندان متعددی با بیان دلایل به تضمین پرداخته‌اند، که این مسئله نشانه قیاسی بودن آن است. از این جَنّی به بعد، تقریباً تضمین مورد اتفاق همه بوده است، اما در رابطه با اینکه آیا تضمین مطرد است یا خیر، نظر اکثر بر اطراد و کثرت است؛ چنانچه ابن جَنّی در کتاب خصائص خود وضوح به اطراد و کثرت استعمال این صنعت در زبان عربی اشاره می‌کند: «از این صنعت در زبان عربی بسیار مشاهده شده است؛ به این صورت که اگر قرار باشد بیشتر آن و نه کل آن جمع آوری شود، یک کتاب بسیار قطور از آن به وجود خواهد آمد.» (ابن جَنّی، ج ۲، ص ۹۴)<sup>۱</sup>

بنابراین با توجه به نظر ابن جَنّی و تبعیت دانشمندان نحوی دیگر (ابن هشام، ص ۵۷۰) و برخی دیگر، با وجود کوفی مسلک بودن آنها در بحث تعدد معانی، می‌توان بیان کرد که تضمین قیاسی است، اما همانطور که در نحو وافی و مقاله ظاهرة التضمین (خلیفی شوشتری، ص ۴) گذشت، برای این استعمال سه شرط وجود دارد، تا این تضمین با قواعد ادبیاتی مخالفت نداشته باشد:

یک. تناسب معنای دو لفظ

دو. وجود قرینه برای لفظ تضمین شده

سه. تناسب با ذوق عربی

شرط سوم باعث دشواری استعمال تضمین برای غیرعرب‌زبان‌ها می‌شود.

#### ۵. حقیقی و یا مجازی بودن تضمین

تعریف مشهور دانشمندان ادبیات عربی این است که مجاز لغوی، استعمال لفظ در غیرمعنایی است که برای آن وضع شده است، البته با قرینه‌ای که مانع از اراده معنای موضوع له باشد. (نویری، ۱۴۲۳ ق، ص ۳۸)

با توجه به این تعریف، نظرات دانشمندان ادبیات عربی در این رابطه به شرح زیر می‌باشد:

۱. و وجدت فی اللغة من هذا الفنّ شیئا کثیرا لا یکاد یحاط به؛ و لعلّه لو جمع أكثره (لا جمیعہ) لجا کتابا ضحکا.





### ۱.۵. نظر ز مخشبری

او بر این باور است که لفظ مذکور، قیدی برای معنای تضمین شده است؛ برای مثال در آیه شریفه ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ﴾ (نساء، ۲) مراد اصلی در واقع ولا تَتَضَمَّوْهَا است.

### ۲.۵. نظر سیوطی

او نیز معتقد است که لفظ نه برای مجاز وضع شده است و نه برای حقیقت؛ و از جهت جمع بین دو معنا مجاز می‌داند. (سیوطی، بی تا، ص ۵۰۳)

### ۳.۵. ابن جنی

ابن جنی آن را از باب مجاز مرسل دانسته و آن را استعمال لفظی به جای لفظ دیگر قلمداد می‌کند.

### ۴.۵. نظر ابن هشام

ابن هشام معتقد است که نه حقیقت است و نه مجاز، بلکه جمع بین آن دو است؛ چرا که در این استعمال، در کنار معنای اصلی، معنای دیگری نیز اراده شده است؛ درست مانند تعریض که خطیب قزوینی معتقد است که نه حقیقت است و نه مجاز. و این موضع از تعریف ابن هشام برداشت می‌شود؛ چرا که بیان می‌کند که تضمین این است که یک لفظ معنای دو لفظ را برساند.

### ۵.۵. جمع بندی حقیقت یا مجاز بودن تضمین

حاصل بیان این نظرات این است که تضمین در واقع نه حقیقت است و نه مجاز، بلکه مانند تعریض، جمع بین آن دو، برای گسترش معنا و رساندن معنایی بیشتر است. اما مجاز نیست؛ چرا که به گونه‌ای در غیر ماوضع له استعمال نشده که امکان اراده معنای اصلی نباشد، بلکه ماوضع له نیز مقصود متکلم است. و اما حقیقت نیست؛ چرا که یک لفظ، معنایی ورای معنای اصلی خود را نیز می‌رساند.

### ۶. فایده و غرض تضمین

همانطور که در تعاریف نیز مشخص شد، فایده تضمین این است که لفظی معنای دو لفظ را برساند، و به تبع معنا گسترش یافته و موجب زیبایی کلام شود. این فایده در تمامی تعریف‌های



دانشمندان ادبیات عربی واضح بود، اما با توجه به اینکه این گونه از استعمال خلاف قاعده می‌باشد و استعمالات خلاف قاعده عمدتاً نزد عرب فصیح باید غرضی داشته باشد، به بیان برخی از اغراض آن پرداخته خواهد شد.

### ۱.۶. ایجاز

از آنجایی که تضمین موجب عدم ذکر کامل یک لفظ دیگر شده و موجب ایجاز است، که یکی از اغراض محبوب و مهم به شمار می‌رود، می‌توان ادعا کرد که این غرض در تمامی موارد تضمین وجود دارد.

### ۲.۶. تادب

گاهی ممکن است ذکر فعلی که تضمین می‌شود دارای قبح باشد. با تضمین، علاوه بر رساندن معنا، از ذکر آن لفظ قبیح نیز جلوگیری می‌شود؛ مانند آیه شریفه ﴿أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثِ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ﴾ (بقره، ۱۸۷) که توضیح آن در بخش بررسی آیات خواهد آمد.

### ۳.۶. هدایت ذهن مخاطب به معنای مورد نظر

از آنجایی که در تضمین ظاهر لفظ خلاف عادت و انس ذهنی مخاطب عرب‌زبان می‌شود، این باعث تعجب، کنجکاو و تشویق وی به فهم مطلب و تفکر در کلام می‌شود. البته اغراض ذکر شده، تنها گوشه‌ای از اغراض تضمین است و ممکن است برای استعمال این صناعت اغراض دیگری نیز متصور باشد.

### ۷. بررسی برخی از مثال‌های قرآنی

#### ۱.۷. ﴿أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثِ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ﴾ (بقره، ۱۸۷)

از مراجعه به معاجم عربی در ماده رفت روشن می‌شود که این ماده با الی متعدی نمی‌شود (ابوبکر محمد ابن درید الازدی، ج ۱، ص ۴۲۲) و لفظ الافضاء در این کلام تضمین شده است و غرض آن نیز بیان نکردن واژه رفت است که از بار معنایی خوبی برخوردار نیست. معنی آیه: در شب ماه رمضان، نزدیکی و جماع با همسرانتان بر شما حلال است.



۲.۷. ﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ﴾ (بقره، ۱۴)

از مراجعه به معاجم عربی در ماده خلوا روشن می‌شود که این ماده نیز با *إلی* متعدی نمی‌شود. (ابن منظور الأنصاري الرویفی الإفريقي، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۲۹)، و با *إلی* در واقع معنای فعل *إنصرف* در آن اشراب شده است.

معنی آیه: در برخورد با افراد مومن می‌گویند: ما ایمان آوردیم و هنگامی که به سمت یاوران شیطانی خود می‌روند و آنها را ملاقات می‌کنند، می‌گویند: ما با شما هستیم و فقط استهزاء کنندگان آنها هستیم.

۳.۷. ﴿أَذَلَّةٌ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَىٰ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده، ۵۴)

ماده *ذَل* با لام متعدی می‌شود، در صورتی که در آیه شریفه با *علی* متعدی شده و این مسئله اشراب معنای لطف را در *اذله* می‌رساند و نیز فایده دیگری که در آیه شریفه داشته است، هم‌وزن شدن دو فقره است که بسیار به زیبایی آیه افزوده است. معنی آیه: بر مؤمنان فروتن و مهربان و بر کافران عزیزند.

۴.۷. ﴿عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ﴾ (انسان، ۶)

در این آیه شریفه نیز شرب که متعدی به نفسه است و یا با *من* به کار می‌رود، با *باء* متعدی شده است، که نشان‌دهنده اشراب فعل *يتلذذ* و یا *یروی* است، و از آنجایی که آیه در رابطه با حالت مؤمنان در بهشت است، این تضمین به هیچ وجه بعید و خارج از تصور نمی‌باشد. البته نحاتی که قائل به تعدد معنا در حروف جرّ هستند، این *باء* را با معانی دیگر توجیه کرده‌اند؛ از جمله *فراء* که *باء* را زائده دانسته است. (فراء، بی تا ج ۳ ص ۲۱۵)

معنی آیه: چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و لذت می‌برند.

۵.۷. ﴿وَلَا تَعْزُمُوا عُقْدَةَ الْكَلْبِ﴾ (بقره، ۲۳۵)

عزم با *علی* متعدی می‌شود، در حالی که در این آیه عزم بصورت متعدی به نفسه استعمال شده است (ابوبکر محمد ابن درید الازدی، ج ۲، ص ۸۱۷) و این نشانه اشراب معنای *تثنا* به معانی نیت کردن است. معنی آیه: و اراده و نیت عقد نکنید.



## ۸. نتیجه‌گیری

پس از بررسی تضمین در دیدگاه دانشمندان مختلف ادبیات عربی و فهم اجماع آنها بر وجود چنین صنعتی، در ابتدا نتیجه بررسی تعریف‌ها این شد که تضمین اعطاء حکم و گاهاً معنای فعل، شبه‌فعل یا حروف، به فعل، شبه‌فعل یا حرف دیگر با اجرای حکم لفظ دوم بر لفظ اول با قرینه‌ای مقالیه و یا حالیه است. و نیز با توجه به تصریح اهل زبان و دانشمندان ادبیات عربی به اطراد تضمین و قیاسی بودن آن، مژد قیاسی بودن آن نیز اثبات شد و به علاوه با در نظر گرفتن تعریف مشهور دانشمندان از مجاز و حقیقت، روشن شد که این صنعت جمعی ما بین مجاز و حقیقت است.





## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن هشام، (۱۴۴۲ق)، *معنی الادیب*، چاپ ششم، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
۳. أبو الفتح عثمان بن جني الموصلي، (۳۹۲ق)، *الخصائص*، چاپ چهارم، بی‌تا
۴. ابوبکر محمد بن الحسن بن درید الازدی، (۱۹۸۷م)، *جمهره اللغة*، چاپ اول، بیروت، دارا العلم للملایین
۵. ابو محمد القاسم بن علی الحریری، (۱۸۷۳م)، *المقامات الحریری*، چاپ اول، بیروت، مطبعة المعارف
۶. أبو هلال الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعید بن یحیی بن مهران العسکری، بی‌تا، *کتاب دیوان المعانی*، بیروت، دار الجیل
۷. حسن عباس، بی‌تا، *النحو الوافی*، بیروت
۸. دکتر ابراهیم سامرای، (۱۹۸۳م)، *فقه اللغة المقارن*، چاپ دوم، بیروت، انتشارات موسسه فرهنگی تالیف و ترجمه و نشر
۹. زرکشی، (۱۳۷۶ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، چاپ اول، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه عیس البابی الحلبی و شرکائه
۱۰. زمخشری محمود، (۱۴۴۳ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی
۱۱. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، بی‌تا، *البهجة المرضیة علی الفیة ابن مالک*، اسماعیلیان قم
۱۲. نویری، احمد بن عبد الوهاب، (۱۴۲۳ق)، *نهایه الارب فی فنون الادب*، چاپ اول، قاهره، دار الکتب و الوثائق القومیه
۱۳. فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد، بی‌تا، *معانی القرآن*، دارالمصریه للتألیف و الترجمة
۱۴. فراهیدی، بی‌تا، *کتاب العین*، دار و مکتبه الهلال
۱۵. مجد الدین ابو طاهر محمد بن یعقوب الفیروز آبادی، (۱۴۲۶ق)، *قاموس المحيط*، چاپ هشتم، لبنان، موسسه الرساله للطباعه و النشر و التوزیع



۱۶. خلیفه شوشتری، محمدابراهیم، (۱۴۲۳ ق)، *ظاهره التضمین*، مجله علوم اسلامی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۹، صص ۱-۱۷
۱۷. محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الأنصاری الرویفعی الإفريقي، (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، چاپ دوم، بیروت، دار صادر

